

امر به معروف و نهی از منکر (۱)

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ
تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ

سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۱۰

ترجمه: شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدید آمده‌اید؛ به کار پسندیده توصیه نموده و از کار ناروا نهی می‌کنید و به خدا ایمان دارید.

الف) جایگاه رفیع امر به معروف و نهی از منکر

«امر به معروف و نهی از منکر» همانند نماز و روزه از واجبات الهی به شمار می‌آیند. جایگاه نماز در میان سایر آموزه‌های اسلامی، بالاتر از سایرین بوده و قبولی اعمال بسته به آن است. بالاتر از نماز، ولایت قرار دارد که شرط قبولی نماز و سایر اعمال است. در این میان، «امر به معروف و نهی از منکر» خصوصیتی دارد که موجب شده تا برتر از سایر واجبات عملی باشد، زیرا «امر به معروف و نهی از منکر» زمینه‌ساز انجام سایر فرایض در جامعه است. از این رو، در نهج البلاغه، امیر مؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَام جایگاه بی‌نظیر این دو فرضیه را چنین بیان می‌دارد:

«وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ

إِلَّا كَنْفَتَهُ فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ»^۱

همه‌ی اعمال نیکو و جهاد در راه خدا در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر همانند دمیدنی بر دریای پهناور پر موج است.

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر آن‌چنان زیاد است که در آیات و روایات نسبت به ترک آن هشدارهای شدیدی ذکر شده و عذاب‌ها سختی برای افراد بی‌تفاوت نسبت به آن، وعده داده شده است؛

۱- نهج البلاغه، حکمت ۲۷۴.

در آیه‌ی ۱۶۵ سوره‌ی اعراف، خداوند می‌فرماید: «کسانی را که نهی از منکر کردند نجات دادیم و باقی افراد را به خاطر گناه و نافرمانی دچار عذابی بسیار سخت کردیم». و در روایتی از مولای متقیان، علی علیه السلام می‌خوانیم: «خداوند سبحان مردم پیشین را بدین علت مورد لعن و دوری از رحمت قرار داد که امر به معروف و نهی از منکر را ترک نمودند».^۱

فعالیت

با توجه به آیه‌ی ابتدای درس، ارتباط میان «امر به معروف و نهی از منکر» و امت برتر شدن را توضیح دهید

.....

.....

.....

ب) مفهوم امر به معروف و نهی از منکر

توصیه به انجام کار واجب را «امر به معروف» و توصیه به ترک گناه و کار حرام را «نهی از منکر» می‌گویند. این توصیه معمولاً از طریق گفتار انجام می‌پذیرد ولی منحصر به آن نیست؛ به وسیله‌ی اشاره، نوشتن و کلمات غیر مستقیم نیز می‌توان امر به معروف و نهی از منکر نمود.

امر به معروف دارای انواع و اقسامی است که بسته به شرایط مختلف، لحن متناسب با آن باید به کار رود؛ همانند والدین که برای امر و نهی فرزند خود گاه مهربان و گاه با شدت برخورد می‌کنند تا وی را از خطر مصون دارند.

همان‌طور که در مفهوم «امر» و «نهی»، بین معنای قرآنی آن با معنای رایج در زبان فارسی تفاوت وجود دارد، در مفهوم «معروف» و «منکر» نیز شاهد این تفاوت می‌باشیم؛ در عرف معمول، «معروف» به هر کار خوب و ارزشمندی که انجام آن مورد تأیید عقل و شرع باشد گفته می‌شود و «منکر» نیز به کار زشت و ناپسندی اطلاق می‌شود که با فطرت سلیم ناسازگار بوده و از نظر عقل و شرع قابل پذیرش نباشد. اما در این بحث، مقصود از «معروف» فقط کارهای واجب و مستحب، و مقصود از «منکر» فقط کارهای حرام بوده و کارهای مکروه را شامل نمی‌شود.

«امر به معروف» و «نهی از منکر» دو اصطلاح شرعی‌اند که معمولاً همراه یکدیگر به کار می‌روند

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

و گاهی به طور خلاصه فقط یکی را ذکر می کنند. هرگاه عملی واجب، مانند نماز خواندن، ترک گردد «امر به معروف» باید نمود و هرگاه گناهی، مانند غیبت یا دروغ، صورت گیرد «نهی از منکر» صورت می گیرد. در نتیجه، این دو فرضیه، کاربردی جداگانه داشته و دو واجب محسوب می شوند.

فعالیت

امر به معروف و نهی از منکر تحت چه عناوین و نام‌هایی در جامعه انجام می‌شود؟
.....
.....
.....

ج) انواع امر به معروف و نهی از منکر

همان‌طور که اشاره شد امر و نهی اقسامی دارد و از توصیه‌ی دوستانه تا دستور آمرانه را شامل می‌شود. همین‌طور علاوه بر گفتار مستقیم، شامل رفتار و درخواست‌های غیر مستقیم نیز می‌گردد. چنانچه قیام‌های بسیاری در تاریخ برای تحقق امر به معروف و نهی از منکر صورت گرفته است. گذشته از شیوه‌های ابراز امر و نهی، آنچه به آن امر و نهی می‌شود نیز مهم است؛ امر به انجام واجب در مقایسه با امر به انجام مستحب دارای اهمیت بیشتری است. همین‌طور برخی گناهان شدیدتر از دیگر گناهان بوده و نهی از آنها مهم‌تر به شمار می‌آید. نهی حاکم ظالم از انجام اعمال منکر، و نیز امر به معروف مسئولین حکومت، از با ارزش‌ترین اعمال محسوب شده و ثمره‌ی آن به مراتب بزرگ‌تر از نهی از منکرهای جزئی است. از این‌رو معتقدیم، قیام بر ضدّ ظلم؛ نظیر قیام عاشورا، انقلاب اسلامی ایران و مقاومت حزب الله لبنان در صدر مهم‌ترین امر به معروف و نهی از منکرها قرار دارد. همانند هرکار ارزشی، که اقدام بر خلاف آن ضدّ ارزش می‌باشد، در مقابل «امر به معروف» و «نهی از منکر» نیز، «نهی از معروف» و «امر به منکر» قرار دارد و افراد منحرف یا ناآگاه، از طریق آن، دیگران را به سوی انحراف یا مسیر اشتباه خود دعوت و توصیه می‌کنند. امروزه رسانه‌های بین‌المللی از طریق روش‌های گوناگون به این کار مبادرت می‌نمایند. در زندگی روزمره‌ی خود نیز چه بسا از سوی دوستان یا دیگر افراد، بارها «نهی از معروف و امر به منکر» شویم!

فعالیت

چند نمونه از روش‌های امر به «منکر» و نهی از «معروف»‌های غیرمستقیم را مثال

بزنید.
.....
.....
.....

د) شیوه‌های نوین امر به معروف و نهی از منکر

امروزه رسانه‌های صوتی و تصویری و مکتوب، تأثیر فراوانی در کنترل افکار عمومی جامعه و هدایت آن دارند و با روش‌های پیشرفته‌ی علمی، ارزش‌های یک جامعه را دگرگون می‌کنند. این امور نه با نام «امر به معروف و نهی از منکر» انجام می‌شود و نه «موعظه» یا «نصیحت»، بلکه با تبلیغ، پیشنهاد، تحسین یا بدگویی از یک رفتار، و بدون برانگیختن حس مقاومت مخاطب در برابر عقیده‌ی تحمیلی صورت می‌گیرد. تأمل در این شیوه‌ها و شناخت آن‌ها راهنمای ارزنده‌ای جهت روش‌های مناسب امر به معروف و نهی از منکر می‌باشند.

بیندیشید و پاسخ دهید

۱- انسان در زندگی خود به‌طور ناخودآگاه «امر به معروف و نهی از منکر»‌های فراوانی انجام می‌دهد. نمونه‌هایی از این نوع را در زندگی خود بیابید و در کلاس مطرح نمایید.

۲- معنای «امر» در اصطلاح «امر به معروف» چیست؟

۳- چرا افراد گناهکار با آن‌که خود به گناه آلوده‌اند گناه دیگران را به ناپاکی متهم و آن‌ها را سرزنش می‌کنند؟

۴- با انجام گناه در یک جامعه‌ی انسانی چه ضررهایی به دیگران می‌رسد؟

۵- هدف و ثمره‌ی «نهی از منکر» چیست؟

۶- ترک «امر به معروف و نهی از منکر» چه ضررهایی را متوجه خود فرد

می‌کند؟

امر به معروف و نهی از منکر (۲)

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۰۴

ترجمه: و باید از میان شما، گروهی به سوی خیر دعوت کنند و به کار معروف، امر و از منکر، نهی کنند، و آنان همان رستگارانند.

● در درس قبل با مفهوم، اهمیت و انواع «امر به معروف و نهی از منکر» آشنا شدیم. در این درس، شرایط و جوب، روش انجام و مراتب امر به معروف مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) شرایط و جوب امر به معروف و نهی از منکر

«امر به معروف و نهی از منکر» از واجبات کفایی است که انجام آن بر همگان واجب است و اگر هیچ‌کسی آن را انجام ندهد همگی گنهکار محسوب می‌شوند. توصیه به انجام امور مستحبی و ترک مکروهات، مستحب است ولی توصیه به انجام واجبات و ترک محرّمات در صورت وجود شرایط لازم، بر هر فردی واجب است.

این شرایط عبارتند از:

۱- تشخیص معروف و منکر: اگر فرد، علم کافی نداشته باشد و مصادیق معروف و منکر را به درستی تشخیص ندهد ممکن است کاری را منکر فرض و از آن نهی کند، درحالی‌که آن کار، در واقع، منکر و گناه نباشد و یا به خیال واجب (یا مستحب) بودن آن عمل، دستور به انجام آن دهد در صورتی‌که انجام آن حرام، مکروه، یا مباح باشد.

این‌گونه امر به معروف و نهی از منکرها علاوه بر ایجاد هرج و مرج و بدبینی نسبت به احکام

دین، موجب رواج خرافات و امور خلاف دین در جامعه می‌گردد. اولین شرط آمر به معروف و ناهی از منکر، اطلاع دقیق از احکام شرع و «حلال و حرام»ها می‌باشد؛ کسی حق ندارد مردم را از امور حلال و مباح منع کند و یا به امور ناپسند سفارش کند. بنابراین، شرط اول آن است که بداند آنچه انجام گرفته منکر (گناه) است و لازم است برای انجام آن تذکر داده شود. داستان‌های بسیاری در این باره نقل شده است که نمونه‌ای از آن را می‌توانید در انتهای این درس مطالعه نمایید.

۲- عدم ترتب مفسده: وظیفه‌ی هر انسانی در صورت مشاهده انجام منکر یا ترک معروف، امر و نهی است، به شرطی که این امر یا نهی، موجب مفسده نشود، وگرنه انجام آن نه تنها واجب نیست بلکه حرام است؛ مثلاً اگر «امر به معروف و نهی از منکر» موجب ریختن آبروی یک فرد مسلمان شود جایز نیست و باید به زمان و مکان مناسب‌تری واگذار گردد. همچنین اگر انجام «امر به معروف یا نهی از منکر» همراه با ارتکاب گناهی دیگر باشد جایز نیست؛ مانند ورود به حریم شخصی افراد، تجسس، افشای سرّ و

۳- اصرار به ادامه: در صورتی که فرد خاطی قصد ادامه‌ی عمل خود را داشته باشد لازم است قبل یا حین آن، به وی تذکر داده شود. اما در صورتی که وی پشیمان شده و از ادامه‌ی کار نادرست خویش دست بردارد، و جواب «امر به معروف و نهی از منکر» ساقط می‌گردد. اگر فرد در خفا مرتکب گناه شد و شخص دیگری اطلاع یافت بروی واجب است با رعایت آبروی فرد و در نهان، او را امر یا نهی کند ولی تجسس در امور افراد جایز نیست و حرام است.

۴- احتمال تأثیر: از دیگر شرایط وجوب، مؤثر بودن یا احتمال تأثیر است. اگر قرائن طوری است که شخص تشخیص می‌دهد «امر به معروف و نهی از منکر» تأثیر نمی‌گذارد واجب نیست. بلکه ممکن است مستحب باشد. و اگر احتمال تأثیر عکس دهد انجام آن جایز نیست، بلکه باید روش را تغییر دهد و در فرصت و شرایط مناسب به انجام آن مبادرت ورزد. البته گاهی تأثیر، مستلزم تکرار عمل و مداومت در گفتن است که در این صورت، عدم تأثیر یک‌باره، موجب رفع وجوب امر به معروف نمی‌شود و باید تذکر را تکرار نمود. گاهی تغییر رفتار و تأثیر، مستلزم صبر و مداومت چند ماهه یا چندین ساله است.

به طور کلی، کم‌تر موردی یافت می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر بی‌تأثیر باشد؛ آنچه مهم است یافتن شیوه و روش مناسب می‌باشد.

۵- عمل به گفتار خود: کسی که «امر به معروف یا نهی از منکر» می‌کند خود نیز باید عامل به معروف و تارک منکر باشد. و حقیقتاً چه کسی سزاوارتر از خود برای اجرای معروفی است که دیگران را به سوی آن فرا می‌خوانیم؟ بنابراین هم خود باید به آن عمل کنیم هم دیگران را به آن توصیه

نماییم. البته عمل به گفتار خود، شرط وجوب «امر به معروف و نهی از منکر» نیست و بهانه‌ای جهت انجام ندادن آن به‌شمار نمی‌رود، ولی شرط تأثیر در مخاطب می‌باشد.

هیچ یک از ما معصوم نیستیم و ممکن است گاهی مرتکب خطا یا اشتباه شویم. همین اندازه که نسبت به کاری که می‌خواهیم به آن، امر یا نهی کنیم عامل باشیم کافی است تا مورد اعتراض قرار نگیریم. البته سخن افراد پاکیزه و درستکار، تأثیری به مراتب بیش‌تر از افراد عادی دارد و چنانچه در کتاب‌ها نیز نمونه‌های آن ذکر شده گاهی موجب تحول افراد گنهکار می‌گردد.

تأمل

شنیدن موعظه از شخصی که خود به آن عمل نمی‌کند چه تأثیراتی می‌تواند بر شما داشته باشد؟



ب) روش انجام امر به معروف و نهی از منکر

«امر به معروف و نهی از منکر» بسته به موقعیت‌های مختلف دارای روش‌های گوناگون است که فرد با در نظر گرفتن شرایط مخاطب و محیط، باید روش مناسب را انتخاب و اجرا کند تا بهترین تأثیر را در فرد و اجتماع بگذارد. روش‌های غیرمستقیم به علت این که مقاومت کمتری در برابر آن صورت می‌گیرد و مخاطب احساس شرمندگی و حقارت نمی‌کند مؤثرترند، ولی به کارگیری آن‌ها نیازمند تفکر و هنرمندی است. نمونه‌ی مشهور این روش، برخورد امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام با پیرمردی است که وضویش اشتباه بود و آن دو بزرگوار، با درخواست از پیرمرد برای قضاوت بین وضو گرفتن آن‌ها، اشتباه پیرمرد را بدون هیچ کلامی تصحیح کردند.^۱

نمونه‌ی دیگر، برخورد امام کاظم علیه السلام با بُسر حافی است که در خانه‌اش مجلس عیش و نوش برقرار بود و امام خطاب به خدمتکار وی فرمود: «صاحب این منزل بنده است یا آزاد؟» زمانی که خدمتکار با غرور پاسخ داد: «صاحب اینجا آزاد است»، امام نیز تأیید نمود: «بله... آزاد است... اگر بنده بود این‌طور در منزلش بساط گناه برپا نمی‌کرد!». هنگامی که این جملات سنجدیه به گوش صاحب‌خانه رسید او را سخت متحوّل کرد و پابره‌نه به دنبال امام افتاد و از گناه چنان توبه نمود که شهره‌ی تاریخ گشت.^۲

۲- داستان راستان، جلد اول، شماره‌ی ۴۴

۱- داستان راستان، جلد دوم، شماره‌ی ۱۰۳

پیشنهاد

با مطالعه و دقت در زندگی بزرگان دین، خصوصاً ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام، نمونه‌هایی از این روش‌ها را می‌توانید پیدا نموده و به کلاس ارائه کنید.

امروزه در تهیه‌ی فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی و نیز مقالات، کتاب‌ها، سایت‌ها و آگهی‌های تبلیغاتی، از این روش‌های غیر مستقیم، به صورت حرفه‌ای و به گونه‌ای که مخاطب متوجه هدف اصلی تهیه‌کننده یا نویسنده نشود، به طور گسترده استفاده می‌گردد. البته گاهی نیز روش مستقیم مؤثرتر است و با رعایت ادب و احترام و سایر شرایط اسلامی می‌توان از آن استفاده نمود.

برای دانش‌آموزان فعال

امر به معروف و وظیفه‌ی حکومت (حسبیه) است یا مردم؟

بی‌تفاوت بودن و سکوت نکردن در برابر انحراف و ظلم، یا همان «امر به معروف و نهی از منکر» جزء واجبات کفایی است که اختصاص به عده‌ای خاص ندارد. و همان‌طور که افراد یک جامعه وظیفه دارند یکدیگر و مسئولین را «امر به معروف و نهی از منکر» کنند، حکومت (مسئولین) نیز وظیفه دارد جلوی انجام منکر و ترک معروف را در جامعه بگیرد و با آن مقابله کند. در گذشته‌ای نه چندان دور، تشکیلاتی به نام «اداره‌ی حسبیه» در حکومت اسلامی وجود داشت که وظایف گسترده‌ای بر عهده داشت و بر مردم و کسب و کار آن‌ها نظارت می‌کرد. به عبارت دیگر تمام کارهایی که امروزه «شهرداری»ها و «نیروی انتظامی» انجام می‌دهد جزء وظایف این افراد بوده است. اما به تدریج به دلیل برخوردهای سیاسی و ایجاد مزاحمت برای برخی افراد، این نهاد حکومتی کم‌رنگ شد و از میان رفت یا محدود شد.

امروزه نیز، از سویی وظیفه‌ی حکومت است که مردم را امر به معروف کند و از سوی دیگر وظیفه‌ی مردم که مسئولین را نهی از منکر نمایند. در این میان، مطبوعات و رسانه‌ها نقش پررنگ‌تری را در این ارتباط ایفا می‌کنند.

* * *

ج) مراتب امر به معروف و نهی از منکر

«امر به معروف و نهی از منکر» دارای مراتبی است که هر یک شامل درجات خفیف تا شدید می‌شود. تا زمانی که درجه‌ی خفیف کافی باشد نباید از درجه‌ی شدیدتر استفاده نمود. مراتب مختلف «امر به معروف و نهی از منکر» به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱- **مرتبه‌ی قلبی:** در این مرتبه، شخص، ناراحتی قلبی خود را (به سبب مشاهده‌ی گناه) از طریق چهره، طرز نگاه یا رفتار به مخاطب انتقال داده، به مخاطب می‌فهماند که کارش اشتباه است و مورد رضایت و تأیید نیست. این مرتبه خود دارای درجات متعدد است که از حالت صمیمانه و دوستانه، آغاز و به حالت جدی و غیر محبت‌آمیز می‌تواند منتهی شود.^۱

۲- **مرتبه‌ی زبانی:** در صورتی که مخاطب با زبان رفتار متوجه زشتی عمل خود نشود و از آن دست بردارد، نوبت به مرحله‌ی زبانی می‌رسد؛ صحبت، سؤال، نصیحت، تشویق و توصیه، از درجات خفیف این مرتبه‌اند که می‌تواند به صورت غیر مستقیم و کنایه باشد. گاهی نیز لازم است از مراحل شدید زبانی مانند سرزنش، بازخواست یا تهدید استفاده نمود. تشخیص مرحله و درجه‌ی مناسب بستگی به شرایط زمانی و مکانی دارد و باید به دقت و کاردانی تمام، گزینش گردد.

۳- **مرتبه‌ی عملی:** عبارت است از دور نمودن ابزار گناه، جلوگیری از انجام کار خطا با استفاده از قدرت دست و بازو، برنامه‌ریزی و به کار بردن فکر و فراهم کردن اقدامات و تدبیر عملی برای انصراف فرد از معصیت و مشغول نمودن وی به کار مفید، آموزش عملی ترک منکر و انجام معروف از طریق عمل به معروف و ترک منکر و الگو بودن برای دیگران، و به طور کلی؛ تمام اقدامات عملی جهت دور نمودن فرد از محیط گناه.^۲

مراحل شدید استفاده از زور، که ممکن است منجر به ضرب و جرح شود جایز نیست، مگر در مورد دفاع از جان و ناموس خود یا دیگران. همچنین اگر اسلام در خطر باشد، با اذن امام معصوم علیه السلام یا ولی و فقیه باید به مقابله با دشمنان اسلام پرداخت. از این رو جهاد در برابر دشمنان نیز نوعی «امر به معروف و نهی از منکر» عملی محسوب می‌شود.

۱- با این که اثرات این مرتبه گاهی مؤثرتر از مرتبه‌ی زبانی است بسیاری از متدینین از اهمیت آن غافلند و فقط از تذکر زبانی استفاده می‌کنند. گاهی نیز در صورت مؤثر واقع نشدن تذکر زبانی استفاده از این مرتبه (مانند قهر کردن یا کم تحویل گرفتن) بسیار مؤثر است.

۲- برای آگاهی بیشتر درباره‌ی امر به معروف عملی رجوع کنید به: حماسه حسینی، ج ۲، ص ۹۶ به بعد، استاد شهید مرتضی مطهری.

برای دانش آموزان فعال

حکایتی درباره‌ی «امر به معروف و نهی از منکر» به شیوه‌ی جاهلانه

شهید بزرگوار مرتضی مطهری (رحمت الله علیه) چندین حکایت از روش‌های نادرست امر به معروف و عواقب آن را نقل نموده است که یکی از آن‌ها را با هم می‌خوانیم:

«یکی از آقایان نقل می‌کرد که مردی در مشهد، نه تنها نماز نمی‌خواند و روزه نمی‌گرفت بلکه به هیچ چیزی اعتقاد نداشت، یک آدم ضد دین بود. می‌گفت مدت زیادی با این آدم صحبت کردیم تا این که نرم شد و روش خود را به کلی تغییر داد و واقعاً معتقد و مؤمن شد. نمازش را می‌خواند و روزه‌اش را می‌گرفت و مقید شده بود که نمازش را با جماعت در مسجد گوهرشاد بخواند. در جلسات مذهبی ما هم شرکت می‌کرد. مدتی دیدیم که از این آقا خبری نیست. گفتیم لابد رفته است مسافرت. ولی رفقا گفتند اینجاست و نمی‌آید. تحقیق کردیم ببینیم که علت چیست که یک مرتبه از دین و مذهب رو برگردانده؟ به سراغش رفتیم. معلوم شد قضیه از این قرار بوده است:

پس از چند روز متوالی که به نماز جماعت می‌رفت و در صف چهارم، پنجم می‌ایستاد، یک روز یکی از مقدس مآب‌هایی که در صف اول پشت سر امام می‌ایستد، در میان جمعیت، موقع نماز، از آن صف اول بلند می‌شود می‌آید تا این آدم را پیدا می‌کند روبه‌رویش می‌نشیند و می‌پرسد: «آقا! یک سؤال از شما دارم! شما مسلمان هستید یا نه؟» این بیچاره با تعجب پاسخ می‌دهد: «این چه سؤالی است که شما می‌کنید؟ اگر مسلمان نباشم پس در صف جماعت مسجد چه کار می‌کنم؟! می‌گوید: «اگر مسلمانی پس چرا ریشت را این طور کرده‌ای؟». او هم به شدت ناراحت شده، برمی‌خیزد و می‌گوید: «این مسجد و این نماز جماعت و این دین و مذهب مال خودتان!». رفت که رفت.^۱

استاد مطهری ضمن نقل و تأسف درباره‌ی این حکایت می‌گوید: «این هم یک جور به اصطلاح نهی از منکر کردن است! یعنی فراری دادن و بیزار کردن مردم از دین!».

استاد شهید درباره‌ی ضرر نهی از منکرهای ناسنجیده می‌نویسد: «به خدا قسم من می‌ترسم زبانی که ما از راه امر به معروف و نهی از منکر جاهلانه به بار آورده‌ایم یا صدمه‌هایی که از این راه به اسلام زده‌ایم، از زیان ترک امر به معروف و نهی از منکرمان بیشتر باشند».^۲ «بهتر است که ما جاهل‌ها امر به معروف و نهی از منکر نکنیم. دانایی،

۱- حماسه حسینی، ج ۲، ص ۱۰۱-۱۰۰ ۲- حماسه حسینی، ج ۲، ص ۱۶۲

روانشناسی و جامعه‌شناسی می‌خواهد تا انسان بفهمد که چگونه امر به معروف و نهی از منکر کند؛ منکر را تشخیص دهد، ریشه‌ی آن را به دست آورد که از کجا سرچشمه می‌گیرد. برای همین ائمه دین فرموده‌اند: **جاهل بهتر است امر به معروف و نهی از منکر نکند**، زیرا جاهل هنگامی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند می‌خواهد بهتر کند اما بدتر می‌کند. شاید شما بگویید ما جاهلیم پس امر به معروف و نهی از منکر از ما ساقط شد! اما جواب شما را داده‌اند؛ خدا عقل را برای چه آفریده است؟ برای این که بفهمی، تحقیق کنی. تو باید از آن کسانی باشی که نه تنها اوضاع زمان خودت را درک کنی بلکه آینده را نیز بفهمی و درک کنی.^۱

* * *

بیندیشید و پاسخ دهید

- ۱- تفاوت انسان گنهکار و فاسق را با انسانی که (خواستہ یا ناخواستہ) مرتکب گناهی شده است بیان نموده، روش نهی از منکر هر یک را توضیح دهید.
- ۲- مضرات روش‌های نادرست «امر به معروف و نهی از منکر» را شرح دهید.
- ۳- آیا توهین، سرزنش، تحقیر، ضرب و شتم، و هتک آبرو، جزء روش‌های «امر به معروف و نهی از منکر» محسوب می‌شوند یا خیر؟ چرا برخی افراد از این روش‌ها استفاده می‌کنند؟
- ۴- در حکایت پیشین، اشتباه عمده‌ای که از سوی آن مقدس مآب صورت گرفته چیست؟ و تفکر صحیح را در موارد مشابه بیان نمایید.

* * *

فعالیت تحقیقی

دلایل کم‌رنگ شدن «امر به معروف و نهی از منکر» در جامعه را برشمارید و راه‌های گسترش «معروف» را در جامعه پیشنهاد دهید.

۱- حماسه‌ی حسینی، ج ۲، ص ۸۲ و ۸۳

دفاع و جهاد

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَ هُوَ كُرْهُ لَكُمْ، وَ عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ،
وَ عَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ

سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۱۶

ترجمه: جهاد نمودن در راه خدا، بر شما تکلیف شده، و برایتان ناخوشایند است. و چه بسا از چیزی خوشتان نیاید، ولی خیر شما در آن باشد، و چه بسا چیزی را که دوست دارید برایتان موجب شرّ و گرفتاری شود.

جهاد

جهاد عبارت از تلاش و مبارزه در راه خداوند و دفاع از مسلمانان و مظلومان، و به منظور برپاداشتن حق و حقیقت، وحدت و عدالت، برطرف‌سازی تجاوز و چپاول، شکنجه و ارباب، اشغال و استعمار، و به‌طور کلی، فتنه و فساد از جهان است.

انواع جهاد

جهاد انواعی دارد:

۱- جهاد دفاعی: عبارت است از دفاع در برابر دشمن متجاوز به مرز یا شهر مسلمانان، یا دفاع در برابر جان، ناموس و مال خود و دیگران.

۲- جهاد داخلی: عبارت است از جنگ با افراد قانون‌گریز که علیه حکومت اسلامی دست به شورش و نافرمانی زده‌اند و قیام مسلحانه نموده‌اند.

۳- جهاد ابتدایی: عبارت است از حمله به کشورهایی که تحت سلطه‌ی حکومت‌های ظالم قرار داشته، به مردم اجازه‌ی فعالیت آزادانه در امور دین یا شنیدن ندای دین را نمی‌دهند. هدف این نوع جهاد، کشورگشایی نیست بلکه هدف آن، رفع موانع تبلیغی اسلام و بهره‌مندی مردم از حق هدایت

و آشنایی با احکام دین، و برخورداری از حق آزادی و عدالت است.

فعالیت

- ۱- برای هر یک از اقسام جهاد، یک یا چند مثال تاریخی بزنید.
- ۲- این جمله را توضیح دهید: «جهاد ابتدایی نیز گونه‌ای از جهاد دفاعی است».

به این آیات توجه کنید:

- ۱- «و بجنگید - در راه خدا - با کسانی که به جنگ با شما برخاسته‌اند، ولی از حد تجاوز نکنید، که خداوند متجاوزان را دوست ندارد».^۱
- ۲- «و اگر دو گروه مؤمن، به منازعه برخاستند، بین آن دو صلح برقرار کنید. و اگر یکی از آن‌ها، بر دیگری حمله کرد، با گروه متجاوز بجنگید تا به اطاعت امر خداوند بازگردد؛ و در صورت بازگشت، در میان آن دو صلح و آشتی عادلانه برقرار سازید».^۲
- ۳- «و با آن‌ها بجنگید؛ تا دیگر فتنه‌ای نباشد و دین، مخصوص خداوند گردد. و اگر (از روش خود) دست برداشتند، تجاوز جز بر ستمکاران روا نیست».^۳

تأمل

- ۱- موارد صحیح جنگ با دشمن و موارد آتش‌بس با دشمن را با توجه به آیات قرآن بیان کنید.
- ۲- تفاوت آتش‌بس با دشمن، به سبب مصلحت شرعی و عقلی، را با سازش و ترس از دشمن، توضیح داده، معیارهایی جهت تشخیص این مصلحت ارائه دهید.



دفاع

دفاع انواع گوناگونی دارد که در اینجا به بررسی دو نوع مهم آن می‌پردازیم:

- ۱- دفاع از کیان اسلام و حوزه آن: اگر دشمن، بر شهر یا مرز مسلمانان هجوم آورد، و خطر، جامعه اسلامی و مسلمانان را تهدید کند، بر همه واجب است بدون هیچ قید و شرطی و به هر

۳- بقره، ۱۹۳

۲- حجرات، ۹

۱- بقره، ۱۹۰

وسیله‌ای که ممکن باشد، از قبیل بذل مال و جان، از کیان و عظمت اسلام دفاع نمایند و به اذن امام معصوم یا ولی فقیه نیاز ندارد. در این دفاع هر کسی که کشته شود شهید محسوب می‌گردد. تهاجم گاهی نظامی است و گاهی فرهنگی؛ گاهی جهت تصرف سرزمین یا بخشی از آن است و گاهی جهت تسلط سیاسی - اقتصادی بر جامعه. گاهی به ظاهر مسلمانند و گاه غیر مسلمان، گاهی به کشتار و اسارت دست می‌برند و گاهی نیز به تملک منابع کشور بسنده می‌کنند. در تمام این حالات بر هر مکلف واجب است از سرزمین، خاک، وطن، فرهنگ، مال و جان خود محافظت کرده و با کمک مالی، فکری، عملی و اهداء جان خود، به دفاع برخیزد.

اگر این خطر وجود داشته باشد که کفار از نظر سیاسی و اقتصادی بر بلاد مسلمین مسلط شده و مسلمین، اسیر سیاسی یا اقتصادی دشمن شوند و موجب خواری یا ضعف اسلام و مسلمین گردد، جلوگیری و دفاع واجب است؛ چه از طریق مقابله به مثل و به کارگیری وسایل و روش‌های دشمن باشد، چه از طریق مقاومت منفی و تحریم کالای دشمن، و یا قطع ارتباط سیاسی اقتصادی با آنان.

فعالیت

با توجه به مطالب بالا، پاسخ پرسش‌های زیر را بیابید:

۱- مقصود دشمن از حمله به کشورهای مسلمان، تأمین چه اهدافی می‌باشد؟

۲- در جهان امروز، چه توجیهاتی برای تهاجم به کشورها یا شهرها به کار گرفته

می‌شود؟

۳- کوتاه آمدن مسلمانان در برابر بیگانگان چه نتایجی به همراه دارد؟

آشنایی با برخی دیگر از احکام و آداب دفاع و جهاد

● دفاع از اسلام و مسلمین واجب است و محتاج اذن والدین نیست، هر چند سزاوار این است که حتی المقدور رضایت آنان نیز جلب شود.

● فردی که در میدان جهاد با کفار یا مشرکین کشته می‌شود بدون غسل و کفن و با همان لباس‌های جنگ به خاک سپرده می‌شود. اما افرادی که خارج از جهاد به شهادت می‌رسند باید غسل و کفن شوند.

● تمام گناهان شهید، به جز حق الناس، به هنگام شهادت بخشیده می‌شود.

● از آداب جهاد این است که در صورت امکان، ابتدا دشمن را موعظه کنند، و در صورتی که

صادقانه پذیرفتند، با آنان قرارداد صلح امضا نمایند. مسلمانان وظیفه دارند به این قرارداد، تا زمانی که دشمن آن را نقض نکند، پایبند باشند و مال و جان آنان را محترم شمارند.

● سرنوشت افرادی که در جنگ به اسارت در می‌آیند در اختیار امام معصوم علیه السلام یا ولی فقیه است.

۲- دفاع از جان، ناموس و اموال خود: دفاع از جان و ناموس و مال خود، در برابر افراد ظالم و متجاوز واجب است و در صورت کشته شدن اجر شهید را خواهد داشت (ولی به خطر انداختن جان، به وسیله‌ی گفتار بی‌ثمر یا رفتار نسنجیده، در جایی که ضرورت یا فایده‌ای ندارد، جایز نیست حتی امر به معروف نیز محسوب نمی‌شود).

اگر فرد متجاوز، بر فرد یا حریم وی هجوم آورد و بخواهد او را (به ناحق) به قتل برساند، واجب است به هر وسیله ممکن او را دفع کند و جایز نیست تسلیم وی شده، تن به ظلم دهد. و چنانچه فرار از جنگ مهاجم از طریق دیگری غیر از جنگیدن ممکن باشد نباید جنگ کند. و اگر متجاوز به منظور نجات جان خود پا به فرار گذارد واجب است دست از او بردارد و دیگر جایز نیست به او ضربه‌ای وارد سازد، وگرنه ضامن می‌باشد.

اگر مهاجم قصد جان یا ناموس فرد را داشته باشد و دفاع کننده یقین داشته باشد که این جنگیدن سودی نداشته و در این دفاع کشته (و شهید) می‌شود، جنگیدن و دفاع کردن واجب است. اما اگر هجوم مهاجم فقط برای بردن اموال او باشد و یقین داشته باشد اگر دفاع کند کشته می‌شود، نه تنها دفاع واجب نیست، بلکه باید تسلیم شود؛ زیرا حفظ جان مهم‌تر از مال است. و اگر به تنهایی قدرت دفاع نداشته باشد توسط به دیگری و کمک گرفتن از او واجب است؛ هرچند که آن دیگری، ظالم و یا کافر باشد.

تأمل

۱- چرا تسلیم نشدن در برابر ظلم، مورد تأکید اسلام است؟

۲- چرا یاری گرفتن از ظالم، برای دفع ظلم، ناپسند نیست؟

دفاع از دیگر بستگان (مانند فرزند، همسر) و دفاع از افراد مظلوم و بی‌گناه، نیز مانند دفاع از خود واجب است، و احکام آن یکسان می‌باشد.

در دفاع کردن، رعایت مراتب الزامی است و تا زمانی که با اقدام خفیف‌تر می‌توان خطر

را برطرف نمود نباید دست به کار شدیدتر زد؛ مثلاً اگر دشمن با اخطار و صدا، دست از کار خود برمی دارد، به همان اکتفا نماید و اگر ثمر ندارد با نهی از منکر یا صدای بلند و تهدید، او را دفع کند؛ اگر دفع نشود، با دست جلوگیری کند، و همین طور مراتب بالاتر؛ مانند استفاده از چوب، بستن دست و پا یا مجروح ساختن. و اگر دفع تجاوز فقط به وسیله ی کشتن میسر می شود جایز است به هر آلت کشنده ای او را به قتل برساند.^۱

اما اگر بداند که با مراعات ترتیب، وقت از دست می رود و دزد یا ظالم، بر جان یا ناموس وی غالب می شود رعایت ترتیب لازم نیست.

برای دانش آموزان فعال

اگر با رعایت حدود شرعی و بدون تجاوز از حد لازم، نقص مالی یا آسیب بدنی بر مهاجم وارد آید و یا به قتل برسد، خسارت وارده به عهده فرد متجاوز است، و شخص دفاع کننده، ضامن (= مسئول پرداخت و جبران خسارات وارده) نیست. اما اگر مراعات حد را نکند و از آن تجاوز نماید ضامن خواهد بود. همین طور اگر بعداً معلوم شود که قصد مهاجم، قدرت نمایی، ترساندن یا نیت دیگری جز قتل و تجاوز بوده است، دفاع کننده ضامن خسارات وارده می باشد. همین طور اگر تجاوزگر، قبل از آغاز به اقدام، اظهار پشیمانی کند و دفاع کننده بترسد که خدعه و فریب باشد ولی بعداً معلوم شود که راست بوده است باید خسارات وارده بر فرد متجاوز را جبران نماید. اگر در حال فرار کردن یا بازگشت باشد تعقیب وی و آسیب وارد ساختن جایز نیست و ضامن است، مگر آن که برگشتن او به منظور تهیه ی نیرو باشد که در این صورت دفع او جایز است، ولی اگر بعداً معلوم شد که خطا کرده، ضامن ضررهایی است که بر او وارد آورده است. اگر با دست خود ولی به دستور مهاجم، جراحت یا خسارت مالی بر شخص ثالث وارد کند، «وی» ضامن است نه مهاجم (آمر).

اگر دو نفر به ناحق با یکدیگر درگیر شوند، آن که آغاز کننده بوده ضامن است و دفاع کننده ضامن نیست، اما اگر همزمان به یکدیگر حمله ور شده باشند هر یک ضامن

۱- در مواردی که زدن و زخمی کردن و کشتن کسی جایز باشد، تنها از نظر دستورات شرعی است اما از نظر قانونی، قاضی طبق ظاهر و موازین قضایی حکم می کند. بنابراین اگر کسی را به قتل برساند و شهادی بر حقانیت خود نداشته باشد قاضی مطابق مقررات، وی را محکوم به قصاص می کند.

جنایت وارده بر دیگری است، و اگر در بین درگیری، یکی دست از حمله بردارد و دیگری جری شده بر او حمله کند و جنایتی بر او وارد آورد تنها او ضامن است.

* * *

پیندیشید و پاسخ دهید

۱- هدف از تشریح حکم جهاد را در اسلام بیان نمایید.

۲- تفاوت جهاد با جنگ افروزی چیست؟

پیشنهاداتی برای تحقیق درسی

۱- برخی معتقدند جنگیدن و دفاع، به هیچ وجه صحیح نیست، و برای پرهیز از جنگ و درگیری، باید از حق خود گذشت و به برخی از خواسته‌های دشمن تن داد. نظر شما درباره اجرای این نظریه و عواقب آن چیست؟ آیا در جهان امروز چنین روشی امکان‌پذیر است؟ نمونه‌های آن را بیان نمایید.

۲- قیام کربلا، انقلاب اسلامی ایران، هشت سال دفاع مقدس، جنگ ۳۳ روزه لبنان، دفاع ۲۲ روزه غزه، نمونه‌هایی از جهاد و دفاع اسلامی‌اند. یکی را از لحاظ هدف و شرایط تحلیل کنید و به اشکالات مخالفان جنگ پاسخ دهید.